



دانشجو، کارگر آماده قیام است

مصاحبه رادیو برابری با رفیق یدی از اعضای دفتر سیاسی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و از اعضای هیأت هماهنگی اتحاد چپ کارگری ایران پیرامون مبارزات کارگری و اعتراضات دانشجویی.

صفحه ۲

* * * * *

۲۱ آذر یک اسم، دو واقعه تاریخی

در آذربایجان

داور

ایران کشوری کثیرالمله ایست که حقوق ملت‌های ساکن در این کشور توسط رژیم‌های حاکم نادیده گرفته شده است. در طول قرن اخیر، جنبش‌های دمکراتیک خلق‌های ایران با شدیدترین و وحشیانه‌ترین سرکوب‌ها روبرو گردیده‌اند و تحت انقیاد دول متمرکز و دیکتاتوری قرار گرفته‌اند.

در صفحه ۳

* * * * *

تظاهرات اعتراضی معلمان در تهران با سرکوب مواجه شده است!

از اقدامات اعتراضی معلمان حمایت کنید!

امروز ۲۲ آذر ماه ۱۳۸۱، تظاهرات اعتراضی معلمان در اطراف پل حافظ تهران، با حمله نیروهای انتظامی به فرماندهی مرتضی طلائی، لباس شخصی‌ها و سایر ماموران سرکوبگر جمهوری اسلامی مواجه شده است. در جریان این حمله وحشیانه به صفوف تظاهرکنندگان، عده زیادی از معلمان زحمتکش که نظیر دانشجویان کارگران و روشنفکران مترقی خواستی جز پایان دادن به استبداد، تبعیض، بی‌حقوقی و فقر و فلاکت حاکم بر کشور ندارند، زخمی و عده دیگری دستگیر شده‌اند. معلمان که بوسیله جوانان و توده‌های مردم زحمتکش حمایت میشوند هنوز دست از مقاومت برنداشته و به تظاهرات خود ادامه میدهند.

ما از همه دانشجویان، جوانان بویژه محصلین کشور که معلمان نقش اساسی در تعلیم و تربیت آنها برعهده دارند، دعوت میکنیم تا در حمایت از این قشر زحمتکش به خیابانها آمده و در کنار معلمان خود از حقوق صنفی و سیاسی آنها که خواست همه مردم زحمتکش ایران است پشتیبانی بکنند.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری

فدراتیو شورائی ایران!

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ۲۲ آذر ماه ۱۳۸۱

* * * * *

بیانیه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست درباره دستگیری‌های اخیر در آذربایجان!

صفحه ۵

صفحه ۶

صفحه ۶

اخبار کارگری

اخبار داخلی

جنبش دانشجویی، یک گام به پیش!

همانطور که قابل پیشبینی بود برگزاری مراسم سالگر ۱۶ آذر امسال در دانشگاه‌های کشور به یک روز اعتراضی گسترده علیه رژیم جمهوری اسلامی تبدیل شد و دانشجویان در اغلب دانشگاه‌ها، بویژه در تهران، مشهد، تبریز و اصفهان و شیراز توانستند این بار دایره حرکت و شعارهای خود را از محدوده‌های تعیین شده از سوی جناح‌های مختلف رژیم و احزاب و جمعیت‌های دست‌ساز و مورد حمایت آنها فراتر برده و با طرح شعارها و مطالبات عمومی تری حمایت و پشتیبانی عده بیشتری از مردم و بویژه جوانان را بسوی خود جلب کنند. این حرکت اعتراضی بواسطه دارا بودن همین ویژه گی‌ها، برغم حمله و هجوم نیروهای سرکوب و ضرب و شتم و دستگیری عده‌ای از دانشجویان، موفقیت خود در این حرکت اعتراضی را تثبیت نمود و جنبش دانشجویی را یک گام به پیش رهنمون شد. در عین حال نشان داده شد که هرگاه جنبش دانشجویی از منبع اصلی نیروی خود، یعنی کارگران، زحمتکشان و جوانان و زنان بدور نمانده باشد و هرگاه بتواند جنبش خود را با جنبش توده‌های رنج و زحمت تلفیق و هماهنگ سازد، آنگاه به آنچنان نیروی توانمندی تبدیل میشود که هیچ قدرتی را یارای سرکوب و از میدان بدر کردن آن نیست. از اینرو بر جنبش دانشجوییست که این پیروزی را تثبیت و بدون اینکه از آن غره شود، گامهای بعدی را با ایجاد هر چه بیشتر پیوند با جنبش کارگری و جوانان، بیکاران و زنان و غیره به پیش بردارد. دانشجویان مبارز ما باید وضعیت فلاکت بار اقتصادی و اجتماعی اکثریت عظیم مردم ایران را که توسط مافیای مالی به خاک سیاه نشانده شده‌اند و بوسیله نیروهای سرکوب وابسته به طبقات دارا و مرفه اعتراضات و اعتصابات شان بخون کشیده میشود، ملکه ذهن خود قرار دهند. با آگاه کردن توده‌های مردم نسبت به ماهیت واقعی عوامل ادبارشان و پا پیش کشیدن شعارها و مطالبات آنها نیروی هرچه وسیعتری از توده‌های مردم، بویژه کارگران را به شرکت در مبارزه علیه جمهوری اسلامی فرا بخوانند.

ما ضمن شادباش به تمام دانشجویان، دانش آموزان جوانان و سایر اقشار زحمتکشی که در روز ۱۶ آذر در دانشگاه‌ها و خیابانها نفرت و انزجار خود را از رژیم حاکم ابراز داشتند بار دیگر تمام دانشجویان، جوانان، کارگران و زحمتکشان سراسر کشور را به متحد شدن و متشکل شدن و گسترش مبارزه تا پیروزی بر اهریمن ارتجاع فرا میخوانیم.

کسترده باد همبستگی مبارزات کارگران زحمتکشان دانشجویان در راه رهایی از ستم و استثمار و خفقان!

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری

فدراتیو شورائی ایران!

سازمان

اتحاد فدائیان کمونیست

۱۷ آذرماه ۱۳۸۱

* * * * *

دانشجو، کارگر آماده قیام است

مصاحبه رادیو برابری با رفیق یدی از اعضای دفتر سیاسی سازمان اتحاد فدائیان کمونیست و از اعضای هیات هماهنگی اتحاد چپ کارگری ایران پیرامون مبارزات کارگری و اعتراضات دانشجویی.

رادیو برابری: اگر ممکن است ارزیابی خود از دور اخیر اعتراضات کارگری در ایران را بیان نمایید.

یدی: حرکت های اخیر کارگران ادامه مبارزاتی است که از مدتها قبل آغاز شده است و همچنان ادامه دارد. زمینه این اعتراضات، بحران اقتصادی حاکم بر جامعه است. دوم، سیاست هائی است که در این رابطه از سوی رهبران جمهوری اسلامی به توصیه نهادهای مالی بین المللی در پیش گرفته شده است و سوم، خصلت ارتجاعی و ضد انسانی بورژوازی حاکم بر کشور است که برای سود اندوزی خود هیچ ابائی ندارند که میلیون ها نفر در کشور قربانی شوند. همانطور که می دانید، سیاست تعدیل اقتصادی رژیم بسیار معروف است و اخیراً به سیاست "بازسازی و نوسازی" صنایع نیز ترجمه شده است، اخراج و بازخرید کارگران نقش محوری دارد. علاوه بر سیاست اخراج کارگران، که این ها به منظور با صرفه کردن خرید آنها از طرف بخش خصوصی انجام می دهند. اخیراً لویح جدیدی مطرح شده است که به کارفرمایان امکان می دهد که آنها بطور آزادانه و قانونی هر سال ده درصد از نیروی کار خودشان را که شامل کارگران استخدامی است، اخراج کنند. علاوه بر این می دانیم که سرمایه داران ایران عمدتاً نیروهای وابسته به مافیای قدرت و ثروت هستند و اینها بجای اینکه این کارخانجات را بگیرند و بازسازی بکنند، آنها را می خرند و پس از آن زمین هایش را تلاش می کنند، بفرروشند و پولش را در تجارت و در بازار سیاه بکار گیرند که میلیون ها تومان استفاده دارد. بنابر این، اینها پس از خرید، هم به تعهدات خودشان عمل نمی کنند و سعی می کنند با عدم پرداخت حقوق کارگران عملاً آنها را وادار کنند که از کار خود دست بکشند و خودشان محل کار "یعنی کارخانه" را ترک کنند. یا با پول خیلی کمی باز خرید شوند. بنابر این در خواست های صنفی و دفاعی نظیر پرداخت حقوق های معوقه و جلوگیری از اخراج های دسته جمعی و نظیر اینها، در واقع در این دوره و در دوره گذشته جزء مطالبات اصلی کارگران ایران بوده است و هنوز هم این خواست ها، مطالبات عمده را تشکیل می دهند. اما در اعتراضات اخیر، از جمله اعتراضات کارگران میاندوآب، نساجی مازندران و امثال آنها می بینیم که جنبش کارگری از چارچوب خواست های صنفی فراتر رفته است و به طرح مسایل سیاسی و اقتصادی هم پرداخته است و این خودش کمک می کند که جنبش کارگری با جنبش های موجود در جامعه ارتباط نزدیکی برقرار کند. ولی از آنجائی که کلاً طبقه کارگر هنوز قادر نشده است، تشکل های مستقل و سراسری خودش را ایجاد کند. از طرفی سازمان های چپ، کمونیست و سوسیالیست که طرفدار طبقه کارگر هستند به شدت فعالیتشان در سطح جامعه سرکوب می شود. هنوز این مبارزه در میان کارگران نتوانسته است به صورت متشکل از سطح کارخانجات فراتر برود و به یک مبارزه سراسری تبدیل بشود. واقعیت این است که کارگران با در نظر گرفتن واقعیت حاضر و اوضاع سیاسی موجود باید تلاش کنند. بویژه وظایف کارگران پیشرو این است که در جریان اجتماعات کارگری، مسائل اقتصادی و علل ادبار کارگران را برای آنها توضیح دهند و بطور جمعی تلاش کنند که راه حل های بهتری برای متشکل شدن و تعیین شعارها، شعارهائی که خواست عمومی کارگران

است و تلفیق این شعارها با مطالبات عمومی توده های مردم بتوانند، سطح مبارزات عمومی کارگران را ارتقا دهند و در جهت ایجاد تشکل های مستقل کارگری و در جهت گسترش دامنه مبارزات کارگران در رابطه با سطح کشور، اقدامات ضروری را انجام دهند.

رادیو برابری: در رابطه با دور اخیر مبارزات دانشجویی و همچنین چهارمین سالگرد قتل های زنجیره ای و تظاهرات دانشجویی در روز شانزده آذر و توضیح شما در مورد گسترش مبارزات کارگری، شما پیوند این مبارزات را چگونه می بینید و فکر می کنید مبارزات کارگری چه تأثیری بر آن دارد؟

یدی: مبارزات گسترده دانشجویی در شانزده آذر ماه نشان داد که در وحله اول جنبش هجده تیر سال هفتاد و هشت بمثابة نقطه عطفی در جنبش دانشجویی دو دهه اخیر، به رغم سرکوب تنها به فراموشی سپرده نشده است، بلکه به مراتب پر انرژی تر از گذشته در میدان مبارزه حضور دارد. ویژگی جنبش دانشجویی در ماه های اخیر که در حرکات اعتراضی و در شعارهای مشخص ۱۶ آذر به درستی خود را نشان داده است، این بود که فرهنگیان و دانشجویان جامعه ما که همواره از پیشتازترین مبارزان راه آزادی بودند با درس آموزی از تجربیات خودشان به این نتیجه رسیدند که هر گونه اصلاح از درون رژیم توهمی بیش نیست و انجام اصلاحات اساسی در رژیم جمهوری اسلامی متکی به ولایت فقیه، امری است غیر ممکن. بنابراین، تکیه و تاسی به اصلاح طلبان و تشکل های وابسته به آنان کاری از پیش نخواهد برد. دوم اینکه این جنبش اگر بخواهد از چارچوب دانشگاه ها خارج نشود و با طبقه کارگر و جوانان و توده های مردم ارتباط برقرار نکند، این جنبش در نتیجه ایجاد تفرقه و سرکوب و حتی آلت دست قرار گرفتن آن، فراتر از آنچه امروز هست نمی رود و نمی تواند به اهدافش برسد. این دومین تجربه ای است که به اعتقاد من نشان داد که جنبش دانشجویی در طی این دوران از مبارزات خود کسب کرده است. این درک و تجربه، اگر به درستی به جنبش نگاه کنیم و اگر حرکات و مطالبات ۱۶ آذر را مد نظر قرار دهیم، در دو سطح خود را نشان داد. یکی اینکه از تشکل ها و شعارهای تشکل های وابسته به رژیم و اصلاح طلبان، فاصله گرفت. دوم اینکه کوشش کرد، جنبش خود را نظیر ۱۸ تیر، از داخل دانشگاه ها فراتر برده به بیرون بکشاند و این کار را که خوشبختانه نشان دهنده ارتقای کیفی سطح سازماندهی دانشجویی است، طوری انجام دادند که بر خلاف مبارزات ۱۸ تیر، رژیم نتوانست آنرا ولو در حد محدودی سرکوب کند و نگذارد صدای جنبش دانشجویی منعکس شود. بویژه این را در تقسیم بندی زمانی، این اعتراضات شاهد بودیم، مثلاً برپائی اعتراضات در دانشگاه امیر کبیر، روز بعد با همان شدت و با همان رادیکالیسم انجام گرفت که جالب بود. بنابراین ما می بینیم که جنبش دانشجویی چگونه از تجربیات گذشته درس گرفته است. بطور مثال، اگر جنبش دانشجویی در سال های قبل در تجمعات خود با شعارهائی که عمدتاً از اصلاح طلبان دفاع می کرد، مثلاً خاتمی دوستت داریم" یا خاتمی قاطعیت. . . "طالب اصلاحات در درون رژیم بودند. در ۱۶ آذر امسال وضعیت کاملاً متفاوت بود. بطوریکه خود خاتمی هم از ترس اینکه هیچ جوابی ندارد به دانشجویان بدهد و حرفی جز تکرار وعده هایی که صدها بار داده شده، نخواهد داشت. حتا حاضر نشد در جمع دانشجویان حاضر شود. دانشجویان، با وجود اینکه از چند هفته قبل، ظاهراً در اعتراض به حکم اعدام آقاجری به اعتراض برخاسته بودند، در ۱۶ آذر از شعارهای قبلی خود کاملاً فاصله

دانشجو، کارگر آماده قیام است

قلمرو خود را گسترش می دادند، قتل و غارت می کردند. سلسله ای از پادشاهان به دنبال هم پیدا می شدند و کشور نیز دست به دست می گشت. ساسانیان آخرین سلسله حاکم با مذهب زرتشتی بر ایران که با محوریت شاه "خان خانان" و روحانیان ارشد زرتشتی با استثمار کشاورزان و غارت دسترنج سایر زحمتکشان و باج و خراج از سرزمین های تحت تصرف بودند. خلفای اسلامی با محوریت خلیفه و ایدئولوژی اسلامی آمیخته با فرهنگ و سنن عربی چندین قرن مردم زحمتکش خلقهای تحت ستم را مجبور کردند، امت خلفای اسلامی و مطیع آنها باشند و مثل همه امت اسلام فکر کنند و حرف بزنند و بنویسند و . . . از آنجا که خلفا ملیت عربی داشتند، امتیاز ویژه ای به سران و جنگ آوران و . . . اعراب، در سرزمینهای تصرفی دادند و موجب استثمار مضاعف دیگر ملتهای ساکن شدند. خلفای اسلامی بعد از مدت طولانی حکومت، دین و خط نوشتاری خودشان را در ایران پایدار ساختند.

بار دیگر چنگیزخان، خان مغول به این سرزمین حمله آورد و همه چیز را غارت کرد و ملل مقیم در این سرزمین را تحت انقیاد خود در آورد. نوادگان چنگیز نیز قوانین اسلامی را با یاسای چنگیزی در هم آمیختند و با کمک غارتگران داخلی به غارت و چپاول مردم پرداختند. شاه اسماعیل صفوی از آذربایجان سلسله صفویان را با علم کردن پرچم شیعه بنا نهاد و خود را شاه خواند و مذهب شیعه را تبلیغ و تنها در تبریز هزاران نفر را کشت و بقیه را مجبور کرد که خود را پیرو مذهب شیعه بخوانند. و تمام این دوران با جنگ و خون ریزی برای غارت ملل دیگر بود. شاهان قاجار از ثمره جنگ ها و غارت زحمتکشان برای خود دربار و حرمسرا درست می کنند. کشور را نیز بصورت نیمه مستعمره در اختیار انگلستان قرار دادند. در زمان این سلسله بار دیگر محدوده جغرافیائی به هم می خورد. بحران حاصل از غارت و چپاول، تمامی زحمتکشان را به حرکت در می آورد. با رهبری خلق آذربایجان انقلاب مشروطیت بر علیه حکومت استبدادی و غنودالیه قاجاریه آغاز می شود. رژیم پادشاهی قاجار مردم و مشروطه خواهان را مورد تعقیب قرار می دهد، مجلس شورای ملی را به توپ می بندد.

دولت انگلستان در سال ۱۲۹۹ توسط وزارت مستعمرات و سازمان جاسوسی و اطلاعاتی آن کشور و ارتجاع داخلی، رضا خان میرپنج را بقدرت رساند. رضا خان بعد از سرکوبی مشروطه و تارو مار کردن مشروطه خواهان در سال ۱۳۲۴ بر تخت سلطنت نشست و خود را شاه خواند و سلطنت خاندان پهلوی را در ایران تحت حمایت امپریالیست ها پایه گذاری کرد. رضا خان خود را وارث داریوش و کوروش نامید. با آریائی خواندن خود زبان فارسی را زبان رسمی تمامی خلق های ایران نامید و اسامی بسیاری از شهرها و بناها را به فارسی برگرداند. او که شیعه مذهب بود، برای جلب مردم به سینه زنی در مراسم مذهبی پرداخت و به سرش گل مالید. از طرف دیگر بر اساس منافع امپریالیستها، سازماندهی دولت مدرن را شروع و ارتش منظم بوجود آورد. وحشت و ترور را بدانجا رساند که در میان مردم، شعار "دیوار گوش دارد. دیوار موش دارد. پس دیوار گوش دارد." را رواج داد و خفقان و ترور و ترس را به درون خانه ها کشاند. مخالفان سلطنت را از فارس و غیر فارس به زندان انداخت و یا به جوخه های اعدام روانه کرد، جنبش های خلق را به بهانه تجزیه طلبی به خاک و خون کشید و قدرت متمرکز و استبدادی را با کمک انگلستان بوجود آورد. با شدت گرفتن جنگ جهانی دوم، کشور ایران از

می گیرند و به طرح شعارهایی می پردازند که این شعارها، شعارهای عمومی است و خواست های سیاسی مردم را در درون خودش دارد. شعارهایی چون "خامنه ای، خاتمی این آخرین پیام است." یا "دانشجو، کارگر آماده قیام است."، "مرگ بر طالبان، چه کابل چه ایران." اگر نیک بنگریم، شعارهایی نظیر جدائی دین از دولت، شعارهای آزادی و برابری زنان و خیلی از شعارهای دیگر را در درون خودش دارد. بنابراین می شود گفت، در این دوره جنبش دانشجویی به مراتب رادیکال تر و آگاه تر و سازمان یافته تر از قبل پا به میدان مبارزه گذاشته است. منتها، واقعیت این است که دانشجویان ایران باید بدانند و حتماً می دانند که این جنبش را باید همه گیر کنند. خواست های اقتصادی و سیاسی میلیون ها مردم را که سرکوب شده است، مانند آزادی زنان، کار برای جوانان، دفاع از مبارزات اقتصادی و سیاسی کارگران، دفاع از حقوق ملیت ها، این ها را باید مطرح کنند و این جنبش را بتدریج همه گیر و گسترده کنند و این شعارها را همان طور که جنبش گسترده می شود، به میان مردم ببرند. اتفاقاً در تاکتیک هائی که این جنبش در ۱۶ آذر اتخاذ کرد، نشان دهنده تطابق تاکتیک ها با چنین اهدافی بود. فرض کنید، تقسیم افراد به گروه های ۵۰۰ نفری، گسیل این ها به خیابان ها با شعار های مشخص، هم رژیم را از سرکوب جنبش دانشجویی و محدود کردن آن در داخل دانشگاه جلوگیری کرد و این تاکتیک رژیم را شکست داد و هم اینکه توانست جنبش دانشجویی و شعارهای آنرا به میان مردم ببرد و در خیابان ها مطرح بکند. من شخصاً با امیدواری بیشتری به این جنبش نگاه می کنم و مشخص است که جنبش دانشجویی برای اینکه موفق شود باید مطالبات و مبارزات خود را از سطح دانشگاه خارج کند و با جنبش کارگری که مدت ها است در حرکت است، ارتباط برقرار کند. آن وضعی که نسبت به جنبش های قبلی در جنبش دانشجویی وجود داشته، بواسطه عدم حضور نیروهای چپ، را جبران کند. چرا که در گذشته جنبش دانشجویی در حرکت های خود بلافاصله با جنبش کارگری ارتباط می گرفت و به قدرت قوی تبدیل می شد. ولی در سال های اخیر ما شاهد این نقطه قوت نبودیم، بلکه این به مثابه نقطه ضعف جنبش دانشجویی مطرح بود، ولی به نظر می رسد این ضعف در حال جبران شدن است، بویژه در مصاحبه های اخیر که برخی از رهبران این جنبش با رادیوها انجام دادند، اشاره آنها به جنبش کارگری و ابراز همبستگی با جنبش کارگری، نقطه امیدویست که می تواند در آینده طلایه های پیروزی را در افق جنبش انقلابی توده های مردم در ایران بگشاید.

* * * * *

۲۱ آذر یک اسم، دو واقعه تاریخی در آذربایجان

ادامه از صفحه اول

ایران همیشه مرزهای جغرافیائی متغیری داشته و آخرین تغییر در محدوده جغرافیائی آن بحرین و چند جزیره دیگر در خلیج فارس است. حاکمانی از قبیل شاهنشاه، خلیفه، خان، سلطان، سایه خدا، و دیکتاتوری شاه داشته و در حال حاضر شیخ ها خود را مالک تمام ایران با هر وسعتی که دارد، می نامند و هیچ ملتی حتا فارس بعنوان واقعی کلمه در ادوار مختلف حاکم نبوده اند و تمامی اسارت ها و بدبختی ها و تجاوزات و آوارگی ها از آن زحمتکشان ملت های ساکن در این محدوده جغرافیائی بوده و هست.

حاکمان با تجاوز و تصرف سرزمین های دیگر ملل، محدوده

۲۱ آذر یک اسم. دو واقعه تاریخی در آذربایجان

جنوب توسط انگلستان و از شمال توسط اتحاد جماهیر شوروی اشغال شد. رضا شاه به جزیره موریس منتقل و دولت انگلستان توسط قوام السلطنه دولت مرکزی را در اختیار گرفت. اگر درست توجه کنیم، یک ملت هیچ وقت حکومت را در این کشور بدست نگرفت، تنها غارتگرانی بنام ملت به حکومت پرداختند و تمامی ملل را به انقیاد خود درآوردند.

در آذربایجان در نبود سرکوب دولت مرکزی، آزادیخواهی، عدالت خواهی و دمکراسی جنبش مشروطه با جنبش ملی و عدالت اجتماعی در هم آمیخت و تمام آذربایجان را در خود گرفت و فرقه دمکرات آذربایجان در راس این جنبش قرار گرفت. در آبان سال ۱۳۲۴ انتخابات سراسری آذربایجان صورت گرفت و حدود یک میلیون نفر از مردم آذربایجان در انتخابات شرکت کرده و نمایندگان کنگره ملی را انتخاب نمودند. در تاریخ ۲۱ آذر سال ۱۳۲۴ در مقابل کودتای نظامیان با حمایت دولت مرکزی و فتودال های آذری، گروه های متشکل و مسلح چریک های فدائی آذربایجان وارد عمل شدند و کودتا گران را خلع سلاح نمودند.

۲۱ آذر مجلس ملی آذربایجان به ریاست شبستری در تبریز گشایش یافت. جعفر پیشه وری مستخدم مدرسه، سرمقاله نویس روزنامه حقیقت، زندانی سیاسی دوره رضا شاه و رهبر فرقه دمکرات آذربایجان توسط مجلس ملی آذربایجان به ریاست دولت انتخاب گردید. پیشه وری بعد از گرفتن مسئولیت دولت اعلام کرد: "حاکمیت دموکراسی در ایران، اعطای خود مختاری به آذربایجان پیش شرطی ضروری است". مجلس ملی آذربایجان نیز به کشورهای دیگر اعلام کرد که خلق آذربایجان خواهان جدائی از ایران نیست و خواستار دموکراسی در ایران و دستیابی آذربایجان به دولت خودمختار است و زبان آذری، زبان ملی و مادری اوست و باید، به زبان رسمی و آموزشی دولت خودمختار آذربایجان در آید. نیروی نظامی مردمی برای حفاظت از دولت آذربایجان شکل گرفت. دولت ملی آذربایجان با انتخاب مسئولین وزارتخانه ها امور کشور را به دست گرفت و شهرسازی را گسترش داد و در اولین اقدام مدارس بوجود آورد و دانشگاه در تبریز افتتاح کرد. زبان آذری در مدارس و دانشگاه تدریس شد و ایستگاه رادیوئی به زبان آذری و چند برنامه به زبان فارسی راه اندازی شد. همچنین دولت ملی آذربایجان، برای اولین بار حق انتخاب کردن و انتخاب شدن در مسائل مملکتی را به زنان، رسمیت داد و اصلاحات ارضی را به اجرا گذاشت. در روابط کارگر و کارفرما تغییرات اساسی بوجود آورد و ۸ ساعت کار در هفته و یک روز تعطیلی در هفته را تصویب کرد. دولت خودمختار آذربایجان تحولات دیگری در جامعه به نفع زحمتکشان بوجود آورد که در تاریخ صدساله اخیر نادر است. علیرغم توطئه چینی دولت مرکزی، کارشکنی ها و خرابکاری زمین داران بزرگ، سرمایه داران و نظامیان ارشد در کار دولت آذربایجان، دولت مرکزی به ریاست قوام مجبور گردید، دولت ولایتی آذربایجان را به رسمیت شناسد و مذاکرات رسمی بین دولت مرکزی و دولت آذربایجان در تهران برقرار و موافقت نامه ای در ۱۵ ماده بین طرفین امضا گردید و متعاقباً، رسماً اعلام گردید.

این واقعه تاریخی با اینکه ریشه در جنبش مشروطه خواهی و انقلاب کارگری اتحاد جماهیر شوروی داشت، ولی بدنبال وقایع جنگ جهانی دوم سر بیرون آورد و تحت تأثیر تحولات جامعه و حمایت خارجی شکل گرفت و نتوانست خود را از کمک و نیروی خارجی مستقل کند. بعد از اتمام جنگ جهانی ارتش شوروی از شمال ایران خسارچ گردید و لی حمایت های شوروی

از دولت خودمختار آذربایجان قطع نگردید. انگلستان با تداوم حضور خود در جنوب ایران، بدنبال تمرکز گرائی و ایجاد دولت واحدی در ایران از طریق قوام السلطنه بود و برای سرکوبی جنبش دمکراتیک آذربایجان، از طریق قوام به دولت شوروی فشار می آورد تا کمک های خود را از جمهوری خودمختار آذربایجان قطع نماید. با یک سری توافقات بین دولت انگلیس و قوام و دولت اتحاد جماهیر شوروی، اتحاد جماهیر شوروی حمایت های خود را از دولت آذربایجان قطع کرد و متعاقب آن حزب توده تنها حزب قدرتمند سراسری در ایران بدنبال سیاستهای کرملین از جنبش ملی آذربایجان خارج شد و فرقه دمکرات آذربایجان بیش از پیش تضعیف کرد.

ارتش دولت مرکزی علی رغم امضا قرارداد به همراه نظامیان ارشد آذری، سرمایه داران بزرگ، فتودالها و ارتجاع محلی به جنبش ملی آذربایجان یورش برد و با بیرحمی تمام هزاران نفر را به قتل رساندند، مال و اموال مردم را به غارت بردند به زنان و دختران تجاوز کردند و کتاب ها را به آتش کشیدند، با قساوت و بیرحمی فدائیان را به قتل می رساندند و جنازه آنها را در شهر می گرداندند. پیشه وری نیز به روسیه شوروی گریخت و بعد از مدتی بطور مرموزی از بین رفت.

بررسی جنبش آذربایجان از حوصله این مقاله خارج است. فقط به نکاتی بطور مختصر اشاره می شود که در حال حاضر بنوعوعی ملموس است. با اینکه زمینه های مادی تغییرات عمده در ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در ایران بخصوص در سده اخیر آماده بوده و خیزش های توده ای را بدنبال داشته، ضعف عنصر آگاهی نگذاشته خیزش های توده ای در مسیر درست هدایت شود. عنصر آگاهی محدود به قشر روشنفکری خورده بورژوازی شده و حتا نتوانسته از آزادی بیان و اندیشه دفاع کند و در محافظه کاری گرفتار آمده است.

در اینجا عنصر مذهب را نباید از نظر دورداشت. مذهب توانسته در مواقع بسیار حساس جای عنصر آگاهی بنشیند و با ترویج و تبلیغ قشری گرائی مذهبی، به جنبش توده ها در این کشور زیان های جبران ناپذیری وارد سازد. روحانیون و مراجع تقلید جنبش های دمکراتیک و برابری طلبی را به کفر و ارتداد محکوم کرده و با استفاده از احساسات مذهبی و قشری توده های، مردم را در مقابل جنبش های مترقی قرار داده اند. فقط در مواقعی روشنفکران مذهبی با حرکات توده ای هماهنگ شده اند که خارج از چارچوب تشکل های مذهبی قرار گرفته و از جنبشهای دمکراتیک و ملی حمایت کرده اند، البته این افراد عموماً مورد تکفیر مراکز دینی و مراجع تقلید در زمان خود واقع شدند.

روشنفکران خورده بورژوازی در مقاطعی توانسته اند، تأثیرات مهمی بر نیروهای جامعه بگذارند. ولی با کثرت گرائی بخصوص در مورد شناخت حقوق ملیتها مقاومت می کنند. روشنفکران بورژوازی با طرح حقوق ملیت ها در حد زبان و یک سری مسائل فرهنگی، کاملاً از زاویه محافظه کارانه وارد می شود و توده های مردم را به گمراهی می کشانند و آینده جنبش های دمکراتیک توده ای و ملی را با خطر مواجه می سازد.

در جامعه ما بخش عمده ای از روشنفکران خورده بورژوازی فارس به شونیسیم فارس روی می آوردند، از عدالت اجتماعی و دمکراسی واقعی بشدت دور شده و قدرت و اقتدار و حضور در صحنه بین المللی را تنها با ترویج آریائی بودن و تک زبانی می دانند و هرگونه جنبش های حق طلبانه ملی را بشدت نفی و این حرکات را تجزیه طلبانه و مغایر منافع ملی می خوانند.

۴۱ آذر یک اسم. دو واقعه تاریخی در آذربایجان

با ایجاد تغییرات در ساختار سیاسی جغرافیائی منطقه، بخصوص بعد از فروپاشی شوروی، استقلال جمهوری آذربایجان واقعیت عینی پیدا کرد، گرایش ملی گرایانه در آذربایجان ایران بشدت رشد کرد که ما در اظهارات و انتخابات در شهرهای آذربایجان شاهد هستیم. این گرایش همچنین شامل دیگر ملل تحت ستم هم می شود. بزرگ داشت ستارخان در دانشگاه ارومیه و همایش صدها هزار نفری در قلعه بابک نشان از گرایش توده ای احیا حقوق ملی است که از استان زنجان گرفته و تا مرز ترکیه ادامه دارد. بخشی از روشنفکران بورژوازی آذربایجان به ناسیونالیسم افراطی روی می آورند و شعار نجات آذربایجان داده و خواستار جدائی کامل و فوری از ایران می شوند. چنین گرایش روشنفکری با شناخت از احساسات توده ای همچون جمهوری اسلامی، دموکراسی و عدالت اجتماعی را به زمان بعد حواله می دهد و در حال حاضر با طرح مسائل ارضی نامشخص و بحساب آوردن مناطق و شهرهای غیر آذری، جنبش حق طلبانه ملی آذربایجان را به احساسات ناسیونالیستی کور تبدیل و جنبش واقعی را به انحراف می کشاند.

خواسته های مشترک عمومی در مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی و پذیرش آن توسط مردم تا حدودی مشخص و معین است از قبیل آزادی اندیشه و قلم، آزادی زندانیان سیاسی، مبارزه علیه اعدام و شکنجه، برابری حقوق زن و مرد، جدائی دین از دولت و برقراری عدالت اجتماعی در جامعه و گرایش به ایجاد تشکل های مستقل در میان طبقه کارگر و دیگر اقشار بخصوص در میان دانشجویان و روشنفکران دیده می شود. این موضوع نشان از درد مشترک تمامی خلق های ایران است و بنوعی این خواسته ها در وحدت تمامی خلق ها گره خورده است. اما حل مسئله ملی که یکی از ارکان اصلی و گذار بسوی دموکراسی واقعی در ایران است، در میان مبارزان و روشنفکران طبقه کارگر چندان اهمیتی پیدا نکرده است. حتی برخی از روشنفکران با طرح اداری فدرالی جامعه عکس العمل نشان داده و طرح مسئله را به بعد از سرنگونی رژیم حواله می دهند.

با توجه به تغییراتی که در منطقه بوجود آمده است. دخالت مستقیم امپریالیسم در منطقه را نباید کوچک شمرد. باید دریافت که این روی کرد جدید تغییراتی در موقعیت جغرافیای سیاسی منطقه بوجود خواهد آورد. همچنین طرح فدرالی آینده عراق و وجود پارلمان مستقل کردی در کردستان عراق، گرایش اداری فدراتیوی جامعه ایران در میان کردهای ایران نیز تقویت می کند.

با توجه به تاریخ صدساله مشترک ملل ایران، سرکوبی جنبش های دموکراتیک، به تمرکز گرائی و دیکتاتوری از نوع شاهی و یا شیخی گردیده است و تمامی خواسته های ملت های ایران اعم از آذری، فارس، کرد، ترکمن، عرب، بلوچ و... قربانی منافع ارتجاع داخلی و بین المللی شده است. مردم ایران دریافته اند، باید راهی غیر از تمرکز گرائی به پیش بروند و الگوی مدیریت آینده جامعه چند ملیتی را ترسیم کنند که این مدل بتواند هم به خواسته های عمومی جنبش پاسخ داده و هم حقوق ملتها را برسمیت بشناسد و ایرانی با اتحاد داوطلبانه تمامی خلق ها و کاملاً برابر در سایه دموکراسی واقعی بوجود آورد.

طرح مسئله جدائی بلافاصله، بخصوص در آذربایجان که از دیدگاههای مذهب ملی "پان ترکیسم" نشأت می گیرد، تنها پاسخ گوی حل مشکلات نیست بلکه به اختلافات حل نشده داخلی دامن خواهد زد و ارتجاع را تقویت خواهد کرد.

راه حل ناسیونالیستی کور با وجود پیچیدگی محدوده فعلی جغرافیائی و تقسیمات استانی تفرقه افکنانه، پیوندهای ارگانیک اقتصادی، تاریخی و آمیزش خویشاوندی وسیع در میان خلق ها فقط به آشوب در میان ملت های مختلف منجر خواهد شد.

پیوندهای اجتماعی و فرهنگی مشترک و آمیزش خویشاوندی در میان ملت ها گرایش به سوی اتحاد داوطلبانه را تقویت می کند و در ثانی جوهره آزادی خواهی، دموکراسی و عدالت اجتماعی پیوندی میان طبقه کارگر و زحمتکشان و روشنفکران تمام خلق ها بوجود آورده است و این پیوند ها را می توان از طریق شوراهای مردمی و "جمهوری فدراتیو شورائی" دموکراسی توده ای و عدالت اجتماعی را توسط مردم پیش برد.

* * * * *

بیانیه سازمان اتحاد فدائیان کمونیست درباره دستگیری های اخیر در آذربایجان!

اطلاعیه های منتشره از سوی « کمیته دفاع از زندانیان سیاسی آذربایجان » و سایر اخبار و اطلاعات رسیده حاکی از آن است که اخیراً نزدیک به یکصد نفر از افرادی که در حوزه های فرهنگی و سیاسی در آذربایجان فعال بوده اند توسط نیروهای سرکوبگر رژیم دستگیر و روانه زندان شده اند.

دستگیری های وسیع در آذربایجان در پی گسترش فعالیت گروه های مختلف مردم از جمله روشنفکران، جوانان و دانشجویان در جهت استقرار آزادی بویژه برسمیت شناخته شدن زبان آذری در آذربایجان صورت میگیرد.

گسترش مبارزه کارگران، دانشجویان، معلمان و جوانان و اقشار مختلف مردم بر علیه جمهوری اسلامی در سراسر کشور و طرح مطالباتی نظیر برسمیت شناخته شدن آزادی های سیاسی، حق تشکل، تجمع، آزادی بیان، پایان دادن به تبعیضات و ستم های جنسی، عقیدتی، ملی و غیره در سراسر کشور، خواست برحق، حق تعیین سرنوشت ملل نیز که یکی از اصلی ترین خواست ملل تحت ستم ایران طی بیش از یکصد سال مبارزه برای آزادی از یوغ ستم و استثمار محسوب میشود، بار دیگر به یکی از شعار های اساسی جنبش آزادیخواهان تبدیل شده است. تلاش جناح های مختلف رژیم و ناسیونالیست های رنگارنگ جهت سوء استفاده از این مطالبه برحق جنبش توده های مردم تحت ستم، ذره ای از اهمیت و حقانیت آن نمیکاهد. روشنفکران، کارگران و زحمتکشان ملل تحت ستم با آموزش از تجربیات گذشته میدانند که تحقق حق تعیین سرنوشت در این برهه از زمان، نه بدست سرمایه داران که خود در غارت و چپاول کارگران و زحمتکشان سراسر ایران با طبقات ارتجاعی حاکم شریک و سهیمند و نه بدست ناسیونالیست های دوآتشه ای که جز دامن زدن به دشمنی ملل و سوء استفاده از این خواست در جهت معامله با قدرتمداران هدف دیگری را دنبال نمیکند، ساخته است. بلکه حق تعیین سرنوشت ملل مثل سایر خواست ها و مطالبات سرکوب شده مردم، تنها با سرنگونی نظام ارتجاعی حاکم بدست توانای طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه و برقراری جمهوری فدراتیو شورائیست که متحقق شده و تمام خلقهای ایران امکان مییابند تا در باره سرنوشت خویش خود تصمیم بگیرند.

ما ضمن حمایت ازخواست حق تعیین سرنوشت خلق ها، از جمله خلق زحمتکش آذربایجان و مبارزه در جهت تحقق این خواست، دستگیری های اخیر در این منطقه را محکوم کرده و خواستار آزادی بی قید شرط آنها هستیم.

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی! برقرار باد جمهوری

فدراتیو شورائی ایران!

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست ۲۴ آذرماه ۱۳۸۱

اخبار کارگری

اخبار داخلی

در اوایل آذر ماه ۷۴ نفر در اعتراضات اخیر دستگیر شدند

روزنامه آفرینش به نقل تأیید کرد که روز جمعه در اصفهان ۷۴ نفر از تظاهرکنندگان دستگیر شدند. این روزنامه دستگیر شدگان را ۶۳ نفر مرد و ۱۱ نفر زن اعلام کرد. بنا به گزارش ارسالی به نشریه جهان، حمایت جوانان و مردم اصفهان از اعتراضات دانشجویی اخیر قابل توجه بود که این امر موجب آشفته‌گی سردمداران رژیم در شهر اصفهان گردید و نیروهای انتظامی و لباس شخصی‌ها اقدام به دستگیری مردم کردند.

* * * * *

دستگیر شدگان اعتراضات اخیر دانشجویی در مکان‌های نامعلوم شکنجه می‌شوند.

بنا به اعلامی، از دستگیر شدگان اعتراضات دانشجویی اخیر ۱۵۰ نفر از آنان هنوز در بازداشت بسر می‌برند و ۲۶ نفر از آنان دانشجوی هستند. هنوز تعداد نامعلومی از دستگیر شدگان در محل‌های مخفی نگهداری می‌شوند. از جمله وضعیت و جای زوارزادگان از دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی نامعلوم است.

خانواده‌های دستگیرشدگان در مقابل ساختمان مبارزه با مفاسد اجتماعی در خیابان میرزای شیرازی تجمع کرده و خواستار آزادی و روشن شدن وضعیت فرزندانشان هستند.

بنا به گزارشی در مجلس شورای اسلامی به خبرنگار رویداد، رژیم مبلغ ۳۰ میلیون تومان قرار وثیقه برای آزادی ۴ تن از دانشجویان بازداشت شده اعلام کرده و خانواده‌ها اعلام کرده اند که توان پرداخت چنین وثیقه‌ای ندارند.

همچنین بنا به این گزارش، بعلت دستگیری‌های زیاد، پرونده‌ها به وزارت اطلاعات رفته و در وزارت اطلاعات بررسی خواهند شد و بعد از بررسی به شعبه ۲۶ انقلاط ارسال می‌شوند.

* * * * *

نشریات کارکمونیستی، ریکای که ل، جهان کمونیستی و آخرین اطلاعیه‌های سازمان را از آدرس غرفه سازمان در اینترنت دریافت کنید

سازمان اتحاد فدائیان کمونیست

Kar-Co

Box 10063 S - 400 70

Göteborg / Sweden

فاکس روابط عمومی

+(46)317792571

آدرس پست الکترونیکی سازمان

webmaster@fedayi.org

آدرس پست الکترونیکی نشریه

jahan@fedayi.org

آدرس غرفه سازمان در اینترنت

www.fedayi.org

www.fedayi.se

برقرار باد جمهوری فدراتیو شورائی

آقای دکتر حسین پور سرسپردگی هم حدی دارد

دکتر محسن حسین پور، کارشناس امور تربیتی و حقوق کودک در جلسه ماهانه انجمن دفاع از حقوق کودک در فرهنگسرای مدرسه در روز پنجشنبه ۷ آذر اعلام کرد: در سال گذشته یک میلیون و ۴۰۰ هزار دانش‌آموز به علت رفتار نامناسب معلمان در مدارس ترک تحصیل کردند. او در این رابطه گفت: با تغییر کتب درسی رفتار کودکان اصلاح نمی‌شود، ابتدا باید رفتار معلمان را اصلاح کرد و سپس می‌توان به اصلاح کودکان امیدوار بود. او سپس افزود: نبود تنوع در منابع پیام، تکرار بدون تنوع و بزرگ جلوه دادن مشکلات تحصیل از عوامل ایجاد نگرش منفی در دانش‌آموزان است.

آقای حسین پور، باید دنبال تسبیح دراز غیر شاه مقصودی بگردی که بتواند این آمار را در خود بشمارد و آن موقع متوجه خواهی شد که این تسبیح از آستان قدس رضوی و آستان قدس معصومه و مجلس شورای اسلامی و ریاست جمهوری و تشخیص مصلحت نظام گذشته و آخر در بیت رهبری لانه کرده است. معلمان زحمتکش را نیز در دو راهی اخراج و یا ترک مدرسه قرار داده است. ابعاد فاجعه آنقدر بالاست که متهم کردن معلمان از طرف حسین پور به یک جوک شیادانه شبیه است. ترک تحصیل یک میلیون و ۴۰۰ هزار نفر فقط در عرض یکسال حاصل از سیاستهای بغایت ارتجاعی و قرون وسطائی رژیم جمهوری اسلامی است. جهت اطلاع، آقای حسین پور را به ابعاد فقر و بیکاری در جامعه و سیاستهای معلمان تربیتی، مأموران اطلاعاتی در مدارس جلب می‌کنیم. اگر هم روزنامه خوان باشد به روزنامه‌های دولتی خودشان حواله می‌دهیم که چقدر از بچه‌ها بعلت فقر و گرسنگی خانواده‌هایشان مجبور به ترک تحصیل شده و از تحصیل محروم می‌شوند. یا اینکه معلمان زحمتکشی که توان تأمین هزینه‌های روزمره زندگیشان را ندارند و خیلی از آنان مجبورند جهت تأمین هزینه خانواده‌اشان به کارهای سخت و طاقت فرسا تن بدهند و مسلماً و پر واضح است که معلمان درد مشترکی با خانواده‌های محصلین دارند و از جیره خواران رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی بهتر درد محصلین را می‌دانند. آقای حسین پور سرسپردگی هم حدی دارد.

* * * * *

تظاهرات صدها نفر از معلمان در تهران و اصفهان

صبح روز جمعه ۲۲ آذر ماه صدها تن از معلمان در مقابل باشگاه حیدریان واقع در خیابان انقلاب پل حافظ در اعتراض به وضع معیشتی و جو سرکوب و خفقان پلیسی در مدارس با وجود غیر قانونی خواندن تجمع و تهدید مستقیم فرمانده نیروهای انتظامی تهران بزرگ "سردار طلایی"، در ساعت ۹:۳۰ دست به راهپیمائی اعتراضی زدند و تا ساعت ۳۰:۱۱ راهپیمائی با وجود یورش نیروهای انتظامی ادامه داشت. در این یورش، نیروهای انتظامی از باتون و گاز اشک‌آور استفاده کردند که تعدادی از زخمی‌ها به بیمارستان منتقل شدند و شماری نیز دستگیر گردیدند. تعدادی از شعارهایی که در این تظاهرات توسط معلمان داده می‌شد عبارت بودند از: "معلم خسته شده، تبعیض دیگه بسه"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "معلم اتحاد، اتحاد"، "معلم اعتصاب، اعتصاب".

مدیر کل سیاسی انتظامی استانداری تهران در این مورد گفت: "خانه معلمان حدود یک هفته پیش مبنی بر نجمع در ورزشگاه حیدریان صادر کرد که بعداً لغو شد. وی همچنین می‌گوید: جمعیت محدودی صبح امروز در مقابل ورزشگاه جمع شده بودند که با تذکر نیروی انتظامی پراکنده شدند، اما یک طیفی حدود ۴۰۰ - ۵۰۰ نفر که برخی از آنها نیز معلم نبودند، به صورت پراکنده تجمع داشتند. این تجمع چون حالت راهپیمائی پیدا می‌کرد، نیروی انتظامی ابتدا تذکر داد و سپس از ادامه آن جلوگیری کرد."

همزمان با اعتراض معلمان در تهران، اصفهان نیز شاهد اعتراضات معلمان بود. که مورد تهاجم نیروهای انتظامی با باتون و گاز اشک‌آور قرار گرفتند و در اثر این حمله تعدادی از معلمان زخمی و شماری نیز دستگیر شدند.

سرنگون بادرژیم جمهوری اسلامی ایران